

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی دجال:

بحث درباره بررسی دجال بود، روایتی^[1] را در بحث گذشته به آن رسیدیم، یک مقدار از روایت را خواندیم و عمده روایت باقی ماند.

بررسی سند روایت:

این روایت در اکمال الدین صدوق وارد شده، دیگران هم مثل قطب راوندی و صاحب بصائر الدرجات هم از صدوق گرفتند و سند این است «الطالقانی عن الجرودی» که ظاهراً زکری از این دو نفر در رجال نیست! «عن الحسين بن معاذ» که حسین بن معاذ مسلم انصاری از رجال امام صادق است و ابن ابی عمیر هم از او نقل می‌کند، «عن قیس بن حفص» که این هم مجهول است، «عن یونس بن ارقم» غیر مذکور است در روایات، عن ابی سیر که همان؟ عبدالملک ثقة است عن الضحاک مزاحم که این هم توثیق ندارد عن النزال بن سیر که باز نزال بن سیر در کتب رجالی ما نیامده اما در کتب رجالی اهل سنت آمده خیلی هم از آن تعریف کردند. در تهذیب الکمال مزّی توثیقش کرده، عسقلانی توثیقش کرده، ابن حبان در الثقات جزء ثقات ایشان را ذکر کرده، علی ای حال اکثر روایتش مجهول‌اند.

بررسی متن روایت:

اما متن روایت متن خیلی عجیبی است. تا اینجا رسیدیم که امیرالمؤمنین فرمودند علامات را برای تو بیان کنم؛ فرمودند «فَإِنَّ عِلَامَةَ ذَلِكَ»، سؤال صعصعه این بود که چه زمانی دجال خروج می‌کند؟ معلوم می‌شود زمان خروج دجال معلوم نیست که دقیقاً چه زمانی خروج می‌کند؟ یعنی همانطوری که اصل زمان ظهور معین نیست، زمان علائم هم مشخص نیست منتهی حضرت فرمود یک علامات و اماراتی هست «يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا» علامت فرمودند «إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَوَاتِ» وقتی مردم نمازها را اماته کنند و نخوانند «وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ» در 9 انت خیانت کنند، «وَأَسْتَحَلُّوا الْكَذِبَ» دروغ را حلال بشمرند «وَأَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شِيدُوا الْبُنْيَانَ» خانه‌ها را خیلی محکم درست کنند «و باعوا الدین بالدنیا» دین را بفروشند «و اسْتَحَفُّوا بِالْإِمَاءِ» سفها را مسلط بر امور خودشان کنند «و شَاوَرُوا النِّسَاءَ» با زنها مشورت کنند «و قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَفُّوا بِالْإِمَاءِ» کشتن افراد برایشان خیلی آسان باشد «و كَانَ الْعِلْمُ ضَعْفًا» علم یک چیز حقیری باشد «و الظُّلُمُ فُخْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظُلْمَةً وَ الْعُرَفَاءُ خَوْنَةً وَ الْقُرَاءُ فَسَقَةً» قراء کتاب از فساق باشند «و ظَهَرَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ اسْتُعْلِنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ حَلِيتِ الْمَصَاحِفُ» قرآن‌ها را تزئین کنند «و زُحِرَتْ الْمَسَاجِدُ» مساجد را

مزین کنند «و طُوِّلَتِ الْمَنَائِرُ» منابر را خیلی بلند درست کنند «و أُكْرِمَ الْأَشْرَارُ وَ اَزْدَحَمَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ» اختلافها زیاد شود «و نُقِضَتِ الْعُهُودُ وَ اقْتَرَبَ الْمُوعُودُ» عهد نقض شود «و شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا» زن‌ها با شوهرانشان در تجارت شریک شوند برای طمع دنیا «و عَلَتْ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ» صدای فساق بالا برود، یعنی این آوازه‌خوان‌های فاسق بخوانند و دیگران هم گوش بدهند. «و كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ» اردل قوم بشود زعيم آن «و اتَّقِيَ الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقَ الْكَاذِبُ ...» تا می‌رسد به اینکه «و تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ ...» برای غیر دین تفقه شود، که این خیلی نکته‌ی مهمی است و در بعضی روایات دیگر هم وجود دارد.

یک وقت دیگر هم بیان کردیم اگر یک روایتی سندش درست نباشد اما مضامینی دارد که قریب به این مضامین در روایات معتبر دیگر هم آمده این برای ما یکی از راه‌های وثوق به صدور آن روایت است، یکی از راه‌هایی که انسان اطمینان پیدا می‌کند این روایت صادر شده همین است و این مضامین در روایات دیگر هم وارد شده.

تا می‌رسند به این سؤال که؛ «فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ» که وحاً به معنای عجله و شتاب است «خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمُقَدَّسِ». در این روایت دارد بهترین مساکین و محل سکونت در آن زمان بیت المقدس است، «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَنَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سُكَّانِهِ» که هر کسی آرزو می‌کند به آنجا برود.

تا اینجا در جواب صعصعة بن سوهان بود، «فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَنِ الدَّجَالُ» سؤال صعصعه این بود که «متی یخرج الدجال» حضرت فرمود نمی‌دانم، زمانی أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سُكَّانِهِ که هر کسی آرزو می‌کند به آنجا برود.

تا اینجا در جواب صعصعة بن سوهان بود، «فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَنِ الدَّجَالُ» این حتی یتبع بعضها بعضاً كحذو النعل بالنعل که قبلاً خواندیم اتفاق بیفتد.

مثل امیرالمؤمنین (ع) نسبت به خروج دجال فرموده «والله ما المسئول عنه بأعلم من السائل» مثل امیرالمؤمنین نسبت به زمان خروج دجال اظهار به اطلاعی می‌کند. پس دیگر ما نمی‌توانیم بگوئیم یک سال دیگر، دو سال دیگر، بیست سال دیگر!؛^[2] پس وقتی می‌گوئیم زمان خروج دجال، که خروج دجال خودش یکی از نشانه‌های ظهور حضرت است، آن را حضرت می‌فرماید من نمی‌دانم، ولی علائم و نشانه‌هایی دارد. و امیرالمؤمنین نسبت به زمان خروج دجال قسم می‌خورد بر حسب این روایت، والله ما المسئول عنه بأعلم من السائل، حالا ما بیائیم زمان ظهور را بگوئیم نزدیک است یا بگوئیم دور است، هیچ کدام را نمی‌شود گفت، دو طرفش را کسی نمی‌تواند بیاید به صورت ظنّ و گمان، یا بالاتر از ظن و گمان بخواهد مطرح کند.

باید یک زمانی بیاید که تمام دین بر تمام بشر عرضه شود و به اکثر دین هم عمل شود، این زمان می‌آید و آن هم بعد از ظهور حضرت است.

اصبغ سؤال کرد که دجال کیست؟ در مورد دجال بعضی‌ها می‌گویند شخص است و بعضی می‌گویند این یک فرهنگ است، حالا بعضی از آیات را بعداً می‌خوانیم که خود دجال را به عنوان مصداق برای عذاب قرار داده، حالا ممکن است هم با شخص سازگار باشد و هم با فرهنگ سازگار باشد، اما این روایت که اصبغ می‌گوید من الدجال؟ امام فرمود «فَقَالَ أَلَا إِنَّ الدَّجَالَ صَائِدُ بْنُ الصَّيِّدِ» نباید برویم در کتب رجال بگردیم ببینیم صائد بن صید کیست؟ به نظر من کنایه است، یعنی یک کسی است که همینطور می‌بلعد و افراد را فریب می‌دهد، کار صیاد شکار است و کارش این است که موجودات را به نحوی در دام می‌اندازد، گاهی اوقات کسی که کارش این است، مثلاً کسی که می‌خواهد بگوید من خیلی عالم هستم، می‌گوید من «عالم بن عالم بن عالم» هستم، یک کسی که می‌خواهد بگوید من ورزشکارم یا قدرتمندم همینطور می‌گوید من ابن فلان ابن فلان هستم، به نظرم این صائد بن صید که حضرت آورده کنایه از این معناست و الا نه اینکه شخص معینی به نام صائد بن صید باشد، نه در زمان

حضرت، که بگوئیم صائد بن صید در زمان رسول خدا مُرد، یک چنین کسی آن زمان بوده و مُرده. یا مثلاً آن دجالی که بعداً می‌آید در آخر الزمان اسمش صائد است و پسر صائد هم هست. این نیست.

«فَالشَّقِيُّ مَنْ صَدَقَهُ وَ السَّعِيدُ مَنْ كَذَبَهُ يَخْرُجُ مِنْ بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا أَصْبَهَانُ» اصفهان هم نیست بلکه اصفهان است که این اصفهان معلوم نیست این اصفهان باشد که اینجا است! در این روایت اصفهان ندارد، حالا حرف «ف» را که «ب» نمی‌گوید، «ق» را «ک» می‌گوید! «مَنْ قَرِيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ» حالا این اصفهان کجاست؟ آدم باید یک مقداری در جغرافیا تأمل کند، از محلی به نام یهودیه. «عَيْنُهُ الْيَمْنَى مَمْسُوحَةٌ» چشم راستش ممسوح است یعنی اصلاً ندارد و صاف است «وَالْأُخْرَى فِي جَبْهَتِهِ تُضِيءُ» چشم چپ او در پیشانی‌اش است «كَأَنَّهَا كَوْكَبُ الصُّبْحِ» مثل کوکبی که هنگام طلوع فجر پیداست، مانند آن است «فِيهَا عِلْقَةٌ كَأَنَّهَا مَمْزُوجَةٌ بِالْدَمِ» در چشم پیشانی‌اش هم یک قرمزی وجود دارد گویا این ممزوج به خون است «بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ» نوشته کافر «يَقْرَأُهُ كُلُّ كَاتِبٍ وَ أُمِّيٌّ» هر کسی می‌خواند که روی پیشانی‌اش کافر نوشته «يَخُوضُ الْبَحَارَ وَ تَسِيرُ مَعَهُ الشَّمْسُ» در عمق دریاها فرو می‌رود و یا در همهی بحار حضور دارد، خورشید با او حرکت می‌کند! این کنایه است از اینکه یک وجود خیلی حارّی دارد که یک شاهی هم دارد در یک عبارتی که می‌رسد می‌گوید «لَا يَمُرُّ بِمَاءٍ إِلَّا قَارَ» عبور نمی‌کرد به آبی مگر اینکه آن آب جوش می‌آید! این تسیر معه الشمس، شمس با او حرکت می‌کند، نه اینکه این با شمس حرکت کند، یعنی هر جا وارد شود گرما می‌آید. شمس خصوصیت ذاتی‌اش هم نورانیت است و عمده‌اش گرماست که این مهمتر از روشن کردنش است. یک احتمال دیگر وجود دارد و آن اینکه بگوئیم نه، چون دارد يخوض البحار و تسير معه الشمس یعنی همه جا، در بعضی روایات داریم که وقتی می‌خواهند بگویند یک چیزی در همهی خانه‌ها حضور پیدا می‌کند می‌گویند مثل خورشید که نورش بر همه می‌تابد این هم تسير معه الشمس است و کنایه از این باشد که همه جا حضور پیدا می‌کند، این هم یک احتمال.

«بَيْنَ يَدَيْهِ جَبَلٌ مِنْ دُخَانٍ وَ خَلْفَهُ جَبَلٌ أَبْيَضُ» جبلی از دخان در پیش روی اوست، این جبلّ من دخان یعنی کوهی از آتش و دود و پشت سرش جبلّ ابيض «يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ طَعَامٌ يَخْرُجُ فِي قَحْطٍ شَدِيدٍ» مثلاً در قحطی شدید آن طعام از زمین بیرون می‌آید، کوهی از طعام پشت سر او هست «تَحْتَهُ حِمَارٌ أَقْمَرُ» یک حمار سفید «خُطُوءُ حِمَارِهِ مِيلٌ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ مِنْهُلًا مِنْهُلًا» این حمار قدمی که برمی‌دارد خطوه‌ی حمارش میل است، یک میل چهار هزار زراع است، حالا حساب کنید که چند متر می‌شود که یک قدمی که برمی‌دارد این چنین است، هر قدم او دو کیلومتر است. این حمار اَقْمَر خطوه حمار میل، بگوئیم دجال این وسائل جنگی عجیب و غریبی است که الآن وجود دارد و بعد آن تسير معه الشمس هم چون حرکتش بسیار سریع است هم با او سازگاری دارد.

یک وقتی که انسان دارد از مکه یا جای دیگر برمی‌گردد همینطور همراه با او آفتاب هست، از آنجا که حرکت کرده آفتاب هست و اینجا هم که رسیده آفتاب هست، غروب نمی‌کند! این تسير معه الشمس را اگر بزنیم به این وسائل جنگی، بگوئیم یک مصداقش هم این است که گفتیم ممکن است بعد بگوئیم دجال مصداقی هم دارد، یعنی باز منافات ندارد شخص باشد، یک مصداقی هم داشته باشد. هر قسمتی از زمین می‌تواند بنشیند و فرود بیاید و آبشخورش باشد، این باز مؤید احتمالی است که الآن داده شد.

«وَلَا يَمُرُّ بِمَاءٍ إِلَّا غَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ» دنباله روایت قرینه بر خلاف این در می‌آید «يَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ» صدایش طوری است که بین المشرق و المغرب می‌شنوند «يَقُولُ إِلَيَّ أَوْلِيَائِي» اینها قرینه است که نمی‌شود باز حمل بر این وسائل جنگی کرد، یعنی دجال بر حسب این روایت داعیه‌ی الوهیت دارد، «أَنَا الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَ قَدَرُ فَهْدَى أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى ...» این شعار دجال است، بعد نمی‌شود حمل بر فرهنگ کرد و حمل بر ماهواره‌ها و موشک‌های قاره پیمای کرد، آنها سر جای خودش است و مخصوصاً اینکه چشمش چطور است؟ پیشانی‌اش چطور است، این شعاری که دارد این را که نمی‌توانیم بگوئیم یک چنین ادعایی دارند. علی‌احوال این روایت در جلد 52 بحار صفحه 192 آمده.^[3]

[1] - (بَابُ تَحْرِيمِ التَّظَاهُرِ بِالْمُنْكَرَاتِ وَ ذِكْرِ جُمْلَةٍ مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ الْمَكْرُوهَاتِ) : 14214 - 1 - الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْحَلِيِّ فِي كِتَابِ مُخْتَصَرِ الْبَصَائِرِ، عَنْ شَيْخِهِ الشَّهِيدِ الْأَوَّلِ عَنِ السَّيِّدِ عَمِيدِ الدِّينِ عَنِ الْعَلَّامَةِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ السَّيِّدِ فَخَّارٍ عَنْ شَاذَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ عَنْ عِمَادِ الدِّينِ الطَّبْرِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى الْجَلُودِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ قَيْسِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَرْقَمَ عَنْ أَبِي سَيَّارِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ الضَّحَّاكِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنِ النَّزَّالِ بْنِ سَبْرَةَ قَالَ قَالَ خَطَبَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي قَالَهَا ثَلَاثًا فَقَامَ إِلَيْهِ صَعْصَعَةُ بْنُ صُوحَانَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَقَالَ (ع) اقْعُدْ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَ عَلَّمَ مَا أَرَدْتَ وَ اللَّهُ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَ لَكِنَّ لِدَٰلِكَ عِلَامَاتٍ وَ أَمَارَاتٍ وَ هُنَاكَ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا كَحَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ فَإِنْ شَبَّتَ أَنْبَأْتُكَ بِهَا فَقَالَ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلِيُّ (ع) احْفَظْ فَإِنَّ عِلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَوَاتِ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحْلَوْا الْكَذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شِيدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَخَفُّوا بِالْأَهْوَاءِ وَ كَانَ الْعِلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فَخْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجَرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظُلْمَةً وَ الْعُرَفَاءُ خَوَنَةً وَ الْفُرَاءُ فَسَقَةً وَ ظَهَرَتِ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ اسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِنَّمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ حُلِيَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طُوِلَتِ الْمَنَائِرُ وَ أَكْرِمَ الْأَشْرَارُ وَ ارْتَدَحَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ وَ نُقِضَتِ الْعُهُودُ وَ اقْتَرَبَ الْمَوْعُودُ وَ شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتِ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ اتَّقَى الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقَ الْكَاذِبُ وَ اتَّيَمَّنَ الْخَائِنُ وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَنَاتُ وَ الْمَعَارِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخَرُ قَضَاءً لِذِمَامٍ بِغَيْرِ حَقٍّ عَرَفَهُ وَ تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ آثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى عَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّانِّ عَلَى قُلُوبِ الذِّئَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفَةِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْخَبَرُ (مستدرک الوسائل ج : 12 صص : 326-327)

[2] - این حرفهایی که زده شد در طی چند دهه گذشته متأسفانه خیلی ضربه شده و بعضی‌ها‌یش هم منصوب به بعضی مراجع بود که بگوئیم در فلان سال و در فلان تاریخ! البته ما در باب انتظار، انتظار یک ماهیتی دارد که انسان باید بگوید ممکن است یک ساعت دیگر بشود، ممکن است هزار سال دیگر هم نشود، اگر ما بخواهیم جامعه را طوری ترغیب کنیم که حالا حالاها خبری نیست این اشتباه است! اگر هم بخواهیم جامعه را طوری ترغیب کنیم بگوئیم همین روزها، این هم کار درستی نیست. آن انتظاری که در روایات عبادت است این است که انسان همیشه برای این امر خودش را محیا کند. آماده باشد که اگر این بغته واقع شد بتواند بالآخره وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد.

[3] - 26- ک، [إِكْمَالِ الدِّينِ] الطَّالِقَانِيُّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ قَيْسِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَرْقَمَ عَنْ أَبِي سَيَّارِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ الضَّحَّاكِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنِ النَّزَّالِ بْنِ سَبْرَةَ قَالَ خَطَبَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي ثَلَاثًا فَقَامَ إِلَيْهِ صَعْصَعَةُ بْنُ صُوحَانَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ع اقْعُدْ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَ عَلَّمَ مَا أَرَدْتَ وَ اللَّهُ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَ لَكِنَّ لِدَٰلِكَ عِلَامَاتٍ وَ هَيْئَاتُ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا كَحَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ فَإِنْ شَبَّتَ أَنْبَأْتُكَ بِهَا قَالَ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ع احْفَظْ فَإِنَّ عِلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحْلَوْا الْكَذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شِيدُوا الْبُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَخَفُّوا بِالْأَهْوَاءِ وَ كَانَ الْحِلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فَخْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجَرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظُلْمَةً وَ الْعُرَفَاءُ خَوَنَةً وَ الْفُرَاءُ فَسَقَةً وَ ظَهَرَتِ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ اسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِنَّمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ حُلِيَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طُوِلَتِ الْمَنَارُ وَ أَكْرِمَ الْأَشْرَارُ وَ ارْتَدَحَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَ نُقِضَتِ الْعُقُودُ وَ اقْتَرَبَ الْمَوْعُودُ وَ شَارَكَتِ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتِ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ اتَّقَى الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقَ الْكَاذِبُ وَ اتَّيَمَّنَ الْخَائِنُ وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَ الْمَعَارِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخَرُ قَضَاءً لِذِمَامٍ بِغَيْرِ حَقٍّ عَرَفَهُ وَ تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ آثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّانِّ عَلَى قُلُوبِ الذِّئَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمَقْدِسِ لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَتَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سَكَّانِهِ فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدَّجَالِ فَقَالَ لَا إِنَّ الدَّجَالَ صَائِدُ بْنُ الصَّيِّدِ فَالْشَّقِيُّ مِنْ صَدَقَهُ وَ السَّعِيدُ مِنْ كَذَبَهُ يَخْرُجُ مِنْ

بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا أَصْبَهَانُ مِنْ قَرِيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ عَيْنُهُ الْيَمْنَى مَمْسُوحَةٌ وَ الْآخَرَى فِي جَنَهِتِهِ تُضِيءُ كَأَنَّهَا كَوْكَبُ الصُّبْحِ فِيهَا عِلْقَةٌ
 كَأَنَّهَا مَمْزُوجَةٌ بِالْدَمِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ يَقْرَأُهُ كُلُّ كَاتِبٍ وَ أُمِّي يَخُوضُ الْبَحَارَ وَ تَسِيرُ مَعَهُ الشَّمْسُ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبَلٌ مِنْ دُخَانٍ وَ
 خَلْفَهُ جَبَلٌ أَبْيَضٌ يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ طَعَامٌ يَخْرُجُ فِي قَحْطٍ شَدِيدٍ تَحْتَهُ حِمَارٌ أَقْمَرُ خُطْوُهُ حِمَارِهِ مِيلٌ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ مِنْهُلًا مِنْهُلًا وَ لَا
 يَمُرُّ بِمَاءٍ إِلَّا غَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ يَقُولُ إِلَيَّ أَوْلِيَائِي أَنَا الَّذِي
 خَلَقْتُ فَسَوَى وَ قَدَّرْتُ فَهْدَى أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ إِنَّهُ الْأَعْوَرُ يَطْعُمُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ إِنْ رَبَّكُمْ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ
 بِالْعَوْرَ وَ لَا يَطْعُمُ وَ لَا يَمْشِي وَ لَا يَزُولُ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا أَلَا وَ إِنْ أَكْثَرَ أَشْيَاعِهِ يَوْمَئِذٍ أَوْلَادُ الزِّنَا وَ أَصْحَابُ الطَّيَالِسَةِ
 الْخُسْرِ يَقْتُلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالشَّامِ عَلَى عَقَبَةٍ تُعْرَفُ بِعَقَبَةِ أَفْبِقٍ لثَلَاثَ سَاعَاتٍ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى يَدَيَّ مَنْ يُصَلِّي الْمَسِيحُ عِيسَى
 ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ أَلَا إِنْ بَعْدَ ذَلِكَ الطَّائِمَةُ الْكُبْرَى قُلْنَا وَ مَا ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ خُرُوجُ دَابَّةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ عِنْدِ الصَّفَا مَعَهَا خَاتَمُ
 سُلَيْمَانَ وَ عَصَا مُوسَى تَضَعُ الْخَاتَمَ عَلَى وَجْهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَيُطْبَعُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَ تَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيُكْتَبُ فِيهِ هَذَا كَافِرٌ
 حَقًّا حَتَّى إِنْ الْمُؤْمِنُ لَيُنَادِي الْوَيْلَ لَكَ يَا كَافِرٌ وَ إِنْ الْكَافِرُ يُنَادِي طُوبَى لَكَ يَا مُؤْمِنٌ وَ دِدْتُ أَنِّي الْيَوْمَ مِثْلُكَ فَأَفُوزُ فَوْزًا ثُمَّ تَرْفَعُ الدَّابَّةُ
 رَأْسَهَا فَيَرَاهَا مَنْ بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا فَعِنْدَ ذَلِكَ تُرْفَعُ التَّوْبَةُ فَلَا تَوْبَةَ تُقْبَلُ وَ لَا عَمَلٌ يُرْفَعُ
 وَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ثُمَّ قَالَ ع لَا تَسْأَلُونِي عَمَّا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّهُ عَهْدٌ إِلَيَّ حَبِيبِي
 ع أَنْ لَا أُخْبِرَ بِهِ غَيْرَ عِثْرَتِي فَقَالَ النَّزَالُ بْنُ سَبْرَةَ لَصَعَصَعَةً مَا عَنَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِهَذَا الْقَوْلِ فَقَالَ صَعَصَعَةً يَا ابْنَ سَبْرَةَ إِنْ الَّذِي
 يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْعُنْتَةِ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا يَظْهَرُ عِنْدَ
 الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ وَ يَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا فَأَخْبَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّ حَبِيبَهُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَهْدٌ إِلَيْهِ أَلَا
 يُخْبِرُ بِمَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ غَيْرَ عِثْرَتِهِ الْأَيْمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (بحار الأنوار ج : 52 صص : 195-192)